

دکتر رابرت سی. نیومن، معجزات، جلسه ۷ معجزات عیسی بر قلمرو معنوی

رابرت نیومن و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

ما به دوره خود، معجزات و معجزات عیسی، ادامه می‌دهیم. ما چهار سخنرانی در مورد معجزات را بررسی کرده‌ایم و اکنون این سومین سخنرانی در مورد معجزات عیسی است. ما به معجزات عیسی در قلمرو طبیعی و معجزات عیسی در قلمرو انسانی نگاه کردیم و اکنون به معجزات عیسی در قلمرو روح نگاه می‌کنیم.

از آنجایی که در سخنرانی قبلی از این عبارت در تمایز با قلمرو انسانی استفاده می‌کنیم، در اینجا به موجودات روحی غیر از انسان‌ها اشاره می‌کنیم، در این مورد، آنچه موجودات شیطانی می‌نامیم. در میان ساکنان سکولارتر دنیای مدرن غرب، شیاطین معمولاً به قلمرو افسانه‌ها و خرافات رانده می‌شوند. این دیدگاه کتاب مقدس نیست و ما نباید وسوسه شویم که از لیبرال‌های الهیاتی قرن‌های ۱۹ و ۲۰ در تلاش برای حذف آنها از مسیحیت پیروی کنیم.

ما در اینجا جایی برای بحث در مورد آموزه‌های کتاب مقدس در مورد موجودات روحی نخواهیم داشت، اما www.ibri.org، ما IBRI من در سخنرانی پاورپوینت خود با عنوان «فرشتگان و شیاطین» که در وب‌سایت نیز موجود است، کمی از این موضوع را بررسی کرده‌ام. همچنین در سخنرانی دیگری با عنوان «شواهدی از فرشتگان؟» که در همان سایت نیز موجود است، به امکان تشخیص عمل چنین موجوداتی به روشی کم و بیش علمی، مثلاً، پرداخته‌ام. بیایید ابتدا به دیوزده‌های گاداری که در متی ۸، مرقس ۵ و لوقا ۸ یافت می‌شوند، نگاهی بیندازیم. ما قصد داریم به متن متی که به دو دیوزده اشاره می‌کند، نگاهی بیندازیم. هنگامی که او، عیسی، به آن سوی دریای جلیل، در منطقه گاداری‌ها رسید، دو مرد دیوزده که از مقبره‌ها می‌آمدند، با او روبرو شدند.

آنها آنقدر خشن بودند که هیچ کس نمی‌توانست از آن راه عبور کند. آنها فریاد زدند: «ای پسر خدا، از ما چه می‌خواهی؟ آیا به اینجا آمده‌ای تا ما را قبل از وقت مقرر شکنجه کنی؟» کمی دورتر از آنها، گله‌ای بزرگ از خوک‌ها در حال چریدن بودند.

دیوها از عیسی التماس کردند: «اگر ما را بیرون می‌رانی، ما را به درون گله‌ی خوک‌ها بفرست!» او به آنها گفت: «بروید!» پس آنها بیرون آمدند و به درون خوک‌ها رفتند و تمام گله از شیب تند به داخل دریاچه، دویدند و در آب مردند. کسانی که خوک‌ها را چرا می‌کردند، فرار کردند، به شهر رفتند و همه این اتفاقات از جمله آنچه برای مردان دیوزده اتفاق افتاده بود را گزارش دادند. سپس تمام شهر برای استقبال از عیسی بیرون رفتند و وقتی او را دیدند، از او التماس کردند که منطقه‌ی آنها را ترک کند. خب، این تمام چیزی است که ما در روایت متی، و در مرقس ۵، ۱-۲۰ و غیره، می‌خوانیم.

تاریخی بودن وقایع و مناسبت‌ها ارتباط نزدیکی با معجزه آرام کردن طوفان دارد که بلافاصله در هر سه انجیل هم‌نوا به آن اشاره می‌شود. این ماجرا هنوز در اوایل خدمت عیسی در جلیل است. عیسی و شاگردانش هنگام پیاده شدن از کشتی با دیوزده‌ها روبرو می‌شوند.

چندین توضیح لیبرال برای این موضوع وجود دارد. این فهرست آلفرد پلامر است. کل این داستان یک افسانه است.

یا اینکه شفا یافتن امری تاریخی است، اما خوک‌ها اینطور نیستند. یا اینکه دیوزده‌ها خوک‌ها را ترساندند و آنها از تپه به پایین هجوم آوردند. غرق شدن خوک‌ها حادثه‌ای است که تقریباً در همان زمان اتفاق افتاده است.

یا اینکه، دیوزده‌ها صرفاً دیوانه هستند. عیسی آنها را در مورد خوک‌ها به سخره می‌گیرد، اما این داستان به عنوان یک داستان تاریخی تلقی می‌شود. این فهرست نسبتاً گسترده‌ای از توضیحات لیبرال است.

شواهدی برای تاریخی بودن جزئیات مکان، طرف دیگر، مقبره‌ها، شیب تند و حتی نام‌های مختلف، گادارا، گراسا و جرجسا، که اتفاقاً هر کدام به عنوان یک نوع در هر یک از سه متن آمده‌اند، جالب توجه هستند. فکر می‌کنم در دوره انجیل‌های هم‌نوا کمی در مورد این موضوع صحبت کردیم و اشاره کردیم که گادارا و گراسا دو تا از شهرهای بزرگ دکاپولیس هستند و شواهد اکنون نشان می‌دهد که شهرهای دکاپولیس قطعات مختلفی را، اگر دوست دارید، از ساحل، دریای جلیل، برای حقوق ماهیگیری و از این قبیل چیزها به اشتراک گذاشته‌اند.

بنابراین، این اتفاق ممکن است در یکی از آن مسیرها رخ داده باشد. و به نظر می‌رسد گراسا نام روستای کوچکی است که اکنون به نام کورسی، در انتهای شمالی، در واقع کمی شرقی انتهای شمالی دریای جلیل، نامیده می‌شود. واکنش مردم در فرستادن عیسی نیز منطقی است.

اگر داستانی از خودت درمی‌آوردی، احتمالاً همه‌شان را از این بابت هیجان زده می‌کردی. اما در واقع، احتمالاً نگران‌شان کرده‌ای چون تک‌تکشان چند خوک را از دست داده‌اند. اما کسی که می‌تواند شیاطین را کنترل کند، قرار نیست فریاد بزند و از او بخواهد که آنها را، خوک‌ها را، دوباره زنده کند، چون ممکن است شیاطین را به درونشان بفرستد.

آنها نمی‌دانند. بنابراین، واکنش دامداران خوک که می‌دوند تا داستان خود را ابتدا به روستا برسانند، در آن جهت بسیار قابل توجه است. واکنش شاهدان عینی؟ خب، خوک‌ها شاهدان عینی هستند و به داخل دریاچه هجوم می‌آورند.

همانطور که گفتم، خوکداران فرار می‌کنند، شاید برای اینکه زودتر بتوانند داستان را از زبان خودشان به شهر برسانند. آن دیوزده حالا به حالت عادی برگشته است. بقیه می‌آیند تا ببینند چه اتفاقی افتاده است.

و شاهدان عینی، شاگردان و دیگران توضیح می‌دهند. آن دیوزده سابق، همانطور که در متنی موازی در مرقس می‌بینیم، می‌خواهد عیسی را همراهی کند. پیشینه عهد عتیق

معجزات مشابه؟ زیاد نیستند. بیشتر در ادبیات بت‌پرستی، خاخامی و بین‌العهدین. در عهد عتیق چیز زیادی در مورد شیاطین وجود ندارد.

از عهد عتیق شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد شیاطین در پشت بسیاری از ادیان بت‌پرستی قرار دارند و ممکن است ما نوعی ظلم شیطانی را در ارتباط با مشکلاتی که پس از جایگزینی شائول توسط خدا با داوود یا به هر حال مسح داوود برای او، برای شائول پیش آمد، تجربه کرده باشیم. و احتمالاً دلیلی برای باور به این وجود دارد که جادوگران مصری و دیگران نیز نوعی نفوذ شیطانی دارند.

اوس گینس در یکی از کتاب‌هایش حرف جالبی می‌زند. فکر می‌کنم در کتاب «غبار مرگ» باشد که او آن را اثر آتش اردو «می‌نامد. او در این کتاب به مسئله افزایش علاقه به و نمونه‌هایی از اهریمنی بودن در»

فرهنگ غرب از دهه ۶۰ میلادی می‌پردازد. گینس می‌گوید این چیزی شبیه به اتفاقی است که وقتی در منطقه‌ای بکر و پر از حیوانات وحشی اردو می‌زنید، برایتان می‌افتد.

شما آتش بزرگی روشن می‌کنید و حیوانات از آن دوری می‌کنند. بنابراین، شما دراز می‌کشید و به خواب می‌روید، و سپس اواخر شب، آتش خاموش می‌شود، و حیوانات وحشی شروع به نگاه کردن از بوته‌ها می‌کنند و به احتمال به دست آوردن مقداری گوشت تازه یا چیزی شبیه به آن فکر می‌کنند. و گینس می‌گوید اساساً اتفاقی که پس از دهه ۶۰ در غرب می‌افتد این است که مسیحیت، به اصطلاح، در بسیاری از این فرهنگ‌های سکولار، به آتش کشیده شده است، و اکنون علوم غریبه شروع به بیرون آمدن از بوته‌ها و بازگشتن کرده است.

بنابراین، این ممکن است چیزی شبیه به چیزی باشد که اینجا با حجم بیشتر فعالیت‌های شیطانی که در ادبیات خاخی و بین عهدین و به ویژه در زمان عیسی می‌بینیم، اتفاق می‌افتد. نفوذ بت‌پرستی بر وضعیت یهودیان تأثیر گذاشته و حتی این افراد برای مخالفت با آنچه عیسی قرار است انجام دهد، گرد هم آمده‌اند ما نمی‌دانیم که آنها از قبل چقدر از این موضوع مطلع بوده‌اند، اما شیطان حداقل می‌داند که روی زمین چه می‌گذرد، بنابراین مطمئناً وقتی خردمندان ظاهر می‌شوند و از این قبیل، چیزی خواهد دانست، و از فعالیت‌های هیرودیس می‌توانید ببینید که او واقعاً می‌دانست. یکی از معجزات مشابه در عهد عتیق، کنترل حیوانات توسط خدا، گوسفندان لابان، نحوه زاد و ولد آنها، بلاها، بلدرچین، الاغ بلعام، گاوهای که کشتی را می‌کشند، کلاغ‌هایی که به الیاس غذا می‌دهند، خرس‌هایی که به پانک‌هایی که دنبال الیاس هستند حمله می‌کنند و شیرهای لانه دانیال است.

کنترل حیوانات توسط شیطان، مار و باغ، حیوانات انسانی، صابئیان و کلدانیان و ایوب، نفوذ شیطانی شائول در سموئیل ۱۶، انبیای دروغین در اول پادشاهان ۲۲-۲۲ که در آن روحی دروغگو از جانب خدا می‌آید تا اخبار را به مرگ در راموت جلعاد فریب دهد. در عهد عتیق اطلاعات کمی در مورد شیطان وجود دارد. اول تواریخ ۲۱-۱، او داوود را به سرشماری تحریک کرد.

متن جالبی در مورد علیت اینجا جای بحث نیست. من یک پاورپوینت در مورد علیت دارم که آن هم در وب‌سایت ما هست.

یک تبلیغ کوچک برای وب‌سایت ما اینجا است. این تبلیغ به ما نشان می‌دهد که از یک نظر، خدا این کار را کرده، از یک نظر، شیطان این کار را کرده؛ بدیهی است که از یک نظر، داوود این کار را کرده، و از نظر دیگر، داوود هرگز بیرون نمی‌رفت و در نمی‌زد. زبردستان او این کار را می‌کردند.

برداشت من این است که داستان رستگاری در نسل بشر توسط خدا نوشته شده است. بنابراین هر اتفاقی که می‌افتد در یک سطح، خدا آن را انجام می‌دهد. اما همه بازیگران این داستان، در واقع همه به جز عیسی، پس از سقوط آدم و حوا گناهکار هستند، همه کارهایی انجام می‌دهند و از یک جهت بسیار مهم، آنها بر اساس دیدگاه‌های اخلاقی خود و از این قبیل تصمیمات می‌گیرند، اما از جهت دیگر آنها کاری را انجام می‌دهند که خدا در داستان نوشته است، بنابراین فکر می‌کنم ما این را در اینجا نیز می‌بینیم.

ایوب ۱-۲، شیطان ایوب را بدنام می‌کند. مزمو ۶: ۱۰۹ می‌گوید، یکی از مزامیر داوری، اگر دوست دارید بگذارید شیطان در دست راست او بایستد. شیطان قرار است بر یهودا فاجعه‌ای نازل کند؛ در واقع، به نظر می‌رسد که این تحقق آن بخش است.

زکریا ۳: ۱-۲ اگر دوست دارید، شیطان در حضور خدا، در دست راست خود، یسع، کاهن اعظم را متهم می‌کند. احتمالاً پیدایش ۶: ۱-۲ پسران خدا، دختران آدمیان. چند نفر از ما به این سمت متمایل شده‌ایم که

به چیزی ماوراءالطبیعه در آنجا نگاه می‌کنیم، نه صرفاً ازدواج آدم‌های خوب با آدم‌های بد یا یک حاکم بت‌پرست که حرمسرا یا چیزی شبیه به آن را تصاحب می‌کند. پیشنهادهای مختلف دیگری نیز ارائه شده است.

نزدیک‌ترین مورد به اینجا، زکریا ۳ است، جایی که خدا یوشع، یشوع، کاهن اعظم را از دست شیطان نجات می‌دهد، اما این رهایی به معنای تسخیر نیست. اهمیت، تأثیر فوری: دو مرد از قدرت شیطان آزاد می‌شوند. نفر اصلی برای اعلام کار خدا بیرون می‌رود.

ضمناً، من رابطه بین متن متی و متون مرقس و لوقا را اینگونه می‌فهمم. یکی از دیوزده‌ها بیشتر از سخنگو دیوزده بود و غیره، و دیگری تقریباً در پس‌زمینه بود. ما تعدادی از این موارد ۱-۲ نوع را داریم که بارها و بارها در انجیل‌ها رخ می‌دهند، و ما ماشین زمان نداریم، اما من آنها را اینگونه می‌خوانم.

گاداری‌ها ۲۰۰۰ خوک بیرون هستند، بنابراین از عیسی می‌خواهند که آنجا را ترک کند. این قطعاً بخشی از تأثیر فوری است. احتمالاً در اینجا یک مضمون داوری رهایی‌بخش وجود دارد.

در تاریخ نجات، فعالیت ظاهراً رو به رشد نیروهای شیطانی در دوره بین دو عهد، تا آنجا که به یهودیان مربوط می‌شود، به این معنی نیست که لزوماً در محافل بت‌پرستان نیز در حال رشد است. ممکن است فقط به این دلیل باشد که برخی از سطوح بت‌پرستی در اینجا به محافل یهودی نفوذ می‌کنند، شاید به دلیل اختلاط با غیریهودیان، احتمالاً به دلیل درگیری قریب‌الوقوع با مسیح موعود.

ما اینجا شاهد رویارویی مستقیم با قدرت‌های شیطان هستیم، و عیسی قاطعانه پیروز می‌شود. آیا عیسی از خوک‌ها برای خلاص شدن از شر شیاطین در منطقه استفاده می‌کند؟ ممکن است. یا شیاطین از خوک‌ها برای خلاص شدن از شر عیسی در منطقه استفاده می‌کنند؟ نمی‌توانم با اطمینان بگویم.

اما عیسی بازمی‌گردد. در متن بعدی می‌بینیم که مرقس و متی هر دو ایمان دارند. قدرت عیسی به قلمرو معنوی گسترش می‌یابد، نه صرفاً به طبیعت و بیماری.

با توجه به اینکه معجزات عیسی اغلب به پایان عصر اشاره دارند، به نظر من در اینجا پیشگویی شکست شیطان و داوری قریب‌الوقوع را می‌بینیم. به شیاطین در متی ۸:۲۹ توجه کنید. آنها فریاد زدند: «ای پسر خدا، از ما چه می‌خواهی؟»

آیا به اینجا آمده‌ای تا ما را شکنجه دهی؟ قبل از زمان مقرر. هنوز اشاره کوچکی به آخرالزمان نشده است و به نظر می‌رسد که آنها این را می‌دانند و از اینکه عیسی آمده تا آنها را بیرون کند، ناراضی هستند. سپس به مثال دیگری از قدرت عیسی بر قلمرو معنوی می‌پردازیم، و آن دختر فینیقیه‌ای سوری در متی ۱۵ مرقس ۷ است. ما این مورد را از مرقس ۷:۲۴ و آیات بعدی می‌گیریم.

عیسی آن مکان را ترک کرد و به نزدیکی صور رفت. او وارد خانه‌ای شد، نمی‌خواست کسی از این موضوع مطلع شود و نمی‌توانست حضورش را مخفی نگه دارد. در واقع، به محض اینکه از او باخبر شد، زنی که دختر کوچکش توسط روح پلید تسخیر شده بود، آمد و به پای او افتاد.

آن زن یونانی بود که در فینیقیه سوریه متولد شده بود. او از عیسی التماس کرد که دیو را از دخترش بیرون کند. عیسی به او گفت: «اول بگذار بچه‌ها هر چه می‌خواهند بخورند، زیرا درست نیست نان بچه‌ها را بگیرد.» بگیری و جلوی سگ‌هایشان بیندازی.

بله، خداوند پاسخ داد، اما حتی سگ‌های زیر میز هم خرده‌های غذای بچه‌ها را می‌خورند. سپس خداوند به او گفت برای چنین پاسخی می‌توانی بروی. دیو از دخترت بیرون رفته است.

او به خانه رفت و فرزندش را دید که روی تخت دراز کشیده و دیو از او رفته است. تاریخچه این رویداد مناسبتی در بخش پایانی خدمت عیسی و زمان ویژه او برای کار با شاگردانش. متی و مرقس هر دو این واقعه را در میان دو واقعه دیگر قرار می‌دهند.

مخالفت فریسیان با شاگردان که دست‌هایشان را نمی‌شستند و غذا دادن به ۴۰۰۰ نفر. عیسی احتمالاً برای دوری از جمعیت و دشمنانش، به شمال غربی جلیل رفته است. مرقس ۷. زن بت‌پرست او را می‌شناسد و خواستار آزادی دختر دیوزده‌اش می‌شود.

توضیحات لیبرال‌ها روان‌تنی است. آن‌ها به هر حال به شیاطین اعتقاد ندارند. شواهد تاریخی به خوبی با این وقایع دیگر مرتبط هستند.

اشاره به زن به عنوان یک کنعانی در متی و یک یونانی یا اهل فینیقی در مرقس با هم سازگار است. منطقه، صور و صیدا به معنای مرکز شهر نیست، بلکه به معنای سرزمین‌های تحت کنترل آنهاست. در واقع، سخنان رمزآلود عیسی مشخصه این منطقه است.

او اغلب چیزهایی می‌گوید که شاگردانش نمی‌فهمند، مخالفانش نمی‌فهمند و غیره، و او اینجا هم چیزی شبیه به این انجام می‌دهد. معجزات مشابهی علاوه بر مطالبی که قبلاً در مورد شیاطین ذکر کردیم.

معجزاتی که برای غیریهودیان یا برای غیریهودیان انجام شد. شفای نعمان و نجات بیوه زن صرّفه و پسرش از گرسنگی و به دنبال آن رستاخیز پسر وجود دارد. معجزاتی نیز برای فرعون، بلاها و مواردی از این دست، و همچنین مرگ نخست‌زاده انجام شد.

معجزاتی که برای نبوکدنصر انجام شد و باعث شد که او باور کند که یک حیوان وحشی است و چندین سال مانند آن زندگی کرد. مطالب دیگر، خب، جدایی بین یهودی و غیریهودی یک پیشینه نسبتاً مهم عهد عتیق است و به یک معنا، در اینجا در مورد اینکه عیسی واقعاً به یهودیان فرستاده شده است، مطرح می‌شود و در اینجا این زن غیریهودی سعی دارد او را وادار به انجام معجزه‌ای برای خود کند، اما پاسخ او بسیار چشمگیر است. ما همچنین چیزی را در دیدگاه شرقی نسبت به سگ‌ها می‌بینیم که زیاد نیست، اما اینکه آنها هنوز هم سگ‌های خانگی داشتند، و دلالتی بر آن وجود دارد، به ویژه در متن متی در اینجا.

اثر فوری. جن‌گیری از راه دور یک دیو بدون حتی یک دستور شفاهی. خیلی جالبه.

این اسن و یوسفوس شما هستند که انگشتر مخصوصی دارند که گیاهان دارویی در آن است، و او می‌آید و آن را بیرون می‌کشد. این یک نمایش دیدنی بود، و ما نمی‌دانیم چقدر واقعاً اسرارآمیز و چقدر حيله‌گرانه بود اما در اینجا عیسی اساساً می‌گوید که دیو رفته است، و زن به خانه برمی‌گردد و متوجه می‌شود که قضیه از این قرار است. کودک به دنیا می‌آید.

ایمان زن در مواجهه با موانع. او به راحتی تسلیم نمی‌شود و این یک نکته کتاب مقدسی است: ما باید برای چیزهای درست دعا کنیم، اما اگر کاملاً مطمئن هستیم که آنها چیزهای درستی هستند، باید پافشاری کنیم و زن این را اینجا نشان می‌دهد. ما مضمون فیض برای غیریهودیان را دریافت می‌کنیم، و اگرچه این تأکید لوقا در اینجا است، اما در این مورد خاص که مشابه لوقا ندارد، در متی و مرقس نیز دیده می‌شود.

جایگاه در تاریخ نجات. در اینجا اشاره‌ای به انجیل برای غیریهودیان شده است، اما در این مورد خاص ارتباطی با یهودیان نیز مشخص شده است. شاید این موضوع ابتدا برای یهودیان و سپس برای غیریهودیان باشد. که پولس چند بار مطرح می‌کند، مناسب باشد.

همانطور که در بالا اشاره کردیم، این قابل توجه‌ترین جن‌گیری ثبت شده است، از راه دور بودن و از این قبیل و برای یک زن غیریهودی و فرزندش بودن و از این قبیل. عناصر نمادین. تمثیل زن در مورد سگ‌ها

سگ‌ها می‌توانند خرده‌های نان زیر میز را بخورند، بنابراین غیریهودیان نیز باید از خرده‌های خدمت معجزه‌آسای عیسی بهره‌مند شوند. پیش‌بینی انجیل غیریهودیان، فکر می‌کنم در اینجا چیزی را می‌بینیم که می‌توانیم آن را «سینکدوکه» جدا از کل بنامیم. این زن، شفقت و رهایی عیسی را برای دخترش دریافت می‌کند و این نمونه‌ای از چیزی است که پس از بازگشت عیسی به بهشت، بسیار مهم خواهد بود.

سومین موقعیت شیطانی زمانی است که عیسی پسر تسخیر شده را در متی ۱۷، مرقس ۹ و لوقا ۹ نجات می‌دهد. در اینجا به نظر می‌رسد که در مرقس وقتی آنها به شاگردان دیگر رسیدند، تازه از تبدیل هیئت برگشته بودند و حدود یک روز بعد بود، بنابراین عیسی و سه نفری که با او بودند، جمعیت زیادی را در اطراف شاگردان دیگر و در حال بحث با آنها دیدند. به محض اینکه همه مردم عیسی را دیدند، از تعجب «غرق شدند و به استقبال او دویدند. او می‌پرسد: «با آنها در مورد چه چیزی بحث می‌کنی؟»

مردی از میان جمعیت پاسخ داد: استاد، من پسر را نزد شما آورده‌ام که گرفتار روحی است که قدرت تکلم را از او گرفته است. هر وقت او را می‌گیرد، او را به زمین می‌اندازد. دهانش کف می‌کند، دندان‌هایش را به هم می‌ساید و خشکش می‌زند.

از شاگردانت خواستم که روح را بیرون کنند، اما نتوانستند. ای نسل بی‌ایمان، عیسی پاسخ داد: «تا کی با شما بمانم؟ تا کی شما را تحمل کنم؟» «پسر را نزد من بیاورید»

پس او را آوردند. همین که روح، عیسی را دید، فوراً پسر را به تشنج انداخت. او بر زمین افتاد و در حالی که کف از دهانش بیرون می‌آمد، به اطراف می‌غلطید.

عیسی از پدر پسر پرسید که چه مدت است که او چنین حالتی دارد. او پاسخ داد: «از کودکی، این حالت بارها او را در آتش یا آب انداخته تا او را بکشد. اما اگر می‌توانید کاری انجام دهید، به ما رحم کنید و به ما کمک کنید.»

اگر بتوانی بگویی عیسی، برای کسی که ایمان دارد همه چیز ممکن است. پدر پسر فوراً فریاد زد: «من ایمان دارم.»

کمکم کن تا بر بی‌ایمانی‌ام غلبه کنم. وقتی عیسی دید که جمعیتی به سمت آن صحنه می‌دوند، روح پلید را نهیب زد. او گفت: ای روح کر و لال

به تو فرمان می‌دهم از او بیرون بیا و دیگر هرگز وارد او نشو. «روح فریادی زد، او را به شدت تکان داد و بیرون آمد. پسر آنقدر شبیه جسد شده بود که بسیاری گفتند مرده است»

اما عیسی دست او را گرفت و او را از زمین بلند کرد و او ایستاد. پس از اینکه عیسی به داخل خانه رفت شاگردانش در خلوت از او پرسیدند: چرا نمی‌توانیم او را بیرون کنیم؟ او پاسخ داد: این نوع [جنون] فقط با دعا بیرون می‌آید. برخی از نسخه‌های خطی، روزه گرفتن را نیز اضافه می‌کنند.

تاریخی بودن وقایع: مناسبت چیست؟ این رویداد در هر سه انجیل با تجلی عیسی مرتبط است. شاگردانی که جا ماندند نتوانستند پسر را شفا دهند. ظاهراً کاتبان به خاطر این موضوع آنها را به ستوه آورده‌اند.

توضیح لیبرال: این پسر صرفاً یک فرد مبتلا به صرع است. در واقع، برخی از این ویژگی‌ها، صرع هستند می‌توان به راحتی گفت که تسخیر شیطانی می‌تواند انواع خاصی از علائم را ایجاد کند که ممکن است فرد قبلاً مستعد ابتلا به آنها بوده یا نبوده باشد.

شواهدی از تاریخ‌نگاری سه روایت، هر کدام با جزئیاتی متفاوت. ایمان پدر نکته‌ی قابل توجهی است. مرقس ۹:۲۴. من ایمان دارم.

کمکم کن تا بر پی‌ایمانی‌ام غلبه کنم. واکنش شاه‌دان عینی. فقط لوقا حیرت آنها را ثبت می‌کند. معجزات مشابهی در بالا ذکر شده است، اما تعداد کمی از آنها در تسخیر شیطانی عهد عتیق است.

مشکلات شائول از همه نزدیک‌تر است. اول سموئیل ۱۶. دخالت روح در اعمال انسان نیز در متوقف کردن شائول توسط روح خدا دیده می‌شود.

اول سموئیل ۱۹ اثر فوری شیطان آخرین تیر خود را شلیک می‌کند. مرقس ۹:۲۶. پسر شفا می‌یابد. احتمالاً حتی زنده می‌شود.

همه شگفت‌زده هستند. شاگردان از ناتوانی خود متحیرند. در تاریخ نجات، حتی نیروهای شیطانی نیز مطیع عیسی هستند.

آیا شرایط برای حواریون سخت‌تر است؟ من فکر می‌کنم منظور از سخنان عیسی این است که آنها واقعاً ایمان ندارند. این موضوع ما را وارد بحثی طولانی در طول ۲۰۰۰ سال تاریخ کلیسا در مورد میزان ایمان مورد نیاز و از این قبیل مسائل کرد. عیسی قبلاً در این مورد توضیحاتی داده بود.

اگر کمی ایمان داشته باشید، به اندازه یک دانه خردل، می‌توانید کارهای بزرگی انجام دهید. این به این دلیل نیست که ایمان قدرتی است که می‌توانید برای انجام کاری از آن استفاده کنید، همانطور که امروز در بسیاری از مطالب بسیار پنطیکاستی می‌شنوید، بلکه به این دلیل است که به چه کسی ایمان دارید. اگر واقعاً به خدا اعتماد دارید، خدا کارهای خارق‌العاده‌ای برای شما انجام خواهد داد.

او اداره جهان را به شما واگذار نمی‌کند، بنابراین نباید انتظار داشته باشید که هر دعاپی که می‌کنید، هر تلاشی برای شفای کسی لزوماً مؤثر باشد، اما او کارهای خارق‌العاده‌ای انجام خواهد داد. بنابراین ما واقعاً باید به او اعتماد کنیم. فکر می‌کنم این همان چیزی است که ما اینجا داریم.

نسل بی‌وفا احتمالاً نشان می‌دهد، خب، اینجا در ترجمه نسل کمی پیچیدگی وجود دارد. در انگلیسی، نسل معمولاً به معنای این دوره زمانی است و ممکن است در اینجا هم به همین معنی باشد زیرا این بخشی از معنای کلمه است. همچنین می‌تواند به معنای نژاد بی‌وفا باشد.

بنی‌اسرائیل در این برهه از زمان نسبتاً بی‌اعتقاد شده‌اند، یا حتی ممکن است از نوادگان آدم باشند. اگر دوست دارید، فقط گناه انسان و بی‌اعتقادی مرتبط با آن. بنابراین، اطمینان کامل از آنچه عیسی می‌گوید، با توجه به آن متن کمی دشوار خواهد بود.

در آن به دعا و احتمالاً روزه اشاره شده است. بنابراین، دعا، توکل به عیسی و توکل به پدر. روایتی از آنچه شاگردان انجام می‌دادند به ما داده نشده است، پس آیا آنها فقط سعی داشتند آن را نام ببرند و ادعا کنند؟ این روش جواب نمی‌داد و آنها آنطور که باید دعا نمی‌کردند. نمی‌دانم.

روزه آخر در تمام نسخه‌های خطی وجود ندارد، بنابراین ما مطمئن نیستیم که چقدر باید روی این موضوع پافشاری کنیم، اما بدیهی است که خداوند در پاسخ به روزه گرفتن مردم کارهایی انجام می‌دهد، به این معنی که آنها چیزی را بسیار جدی می‌گیرند، بنابراین ممکن است که این موضوع نیز در اینجا گنجانده شود. عناصر نمادین. آیا در اینجا اشاره‌ای آخرالزمانی به این موقعیت خاص وجود دارد؟ این ایده که خداوند قصد دارد فعالیت شیطانی را نابود کند، که مطمئناً در پایان عصر این کار را خواهد کرد.

خب، این بحث ما در مورد این معجزات در قلمرو روح است، و من می‌خواهم کل بحثمان را اینجا با کمی در مورد اهمیت معجزات عیسی به پایان برسانم. پیشینه عهد عتیق. معجزات عیسی به اندازه هر یک از معجزات عهد عتیق چشمگیر هستند.

فقط معجزات موسی، الیاس و الیشع به این حد نزدیک می‌شوند. به طور کلی به نظر می‌رسد روش عیسی در انجام معجزات، سراسرتر از معجزات موسی، الیاس و الیشع است. موسی عصا را دارد، دست را دارد و غیره.

عیسی معمولاً، در چندین مورد، بدون اینکه چیزی بگوید، کاری معجزه‌آسا انجام می‌دهد. برای مثال، به آن مقام سلطنتی فکر کنید که او را نزد پسرش می‌فرستد و به او می‌گوید که زنده بماند، اما نمی‌گوید، پروردگارا لطفاً ما را به سوی خدا بخوان تا زنده بمانیم یا چیزی شبیه به این. شما می‌دانید که الیاس و الیشع روی این اجساد می‌خوابند و در آنها می‌دمند و غیره.

عیسی بیوه پسر نائین را لمس می‌کند. مشخص نیست که آیا او حتی لازاروس یا دختر یایروس را لمس می‌کند یا خیر، اما با آنها صحبت می‌کند و غیره. به طور کلی، روش‌های عیسی برای انجام معجزات، مستقیم‌تر از روش‌های موسی، الیاس و الیشع به نظر می‌رسد.

الیاس به بالای کوه می‌رود و از خدا طلب باران می‌کند و خدمتکارش را می‌فرستد و برمی‌گردد و دوباره بیرون می‌رود و برمی‌گردد و غیره. عیسی می‌گوید ساکت باش، ساکت باش، و باد و امواج متوقف می‌شوند. به نظرم از این نظر خیلی تأثیرگذار است.

ما اغلب با نگاهی به خلقت، ارتباطی با معجزات عیسی می‌بینیم. ظاهراً خلقت را در ارتباط با تبدیل آب به شراب می‌بینیم، نه تغییر مقدار ماده، بلکه قطعاً تغییر ماهیت ماده. سی. اس. لوئیس در کتاب خود معجزات، اشاره می‌کند که کاری که عیسی در تبدیل آب به شراب انجام می‌دهد، کاری است که خدا هر ساله انجام می‌دهد، اما خدا این کار را به طور مشیت الهی از طریق فرآیندی آهسته انجام می‌دهد که اگر دوست دارید، یک فصل کامل طول می‌کشد، و عیسی این کار را در عرض، چه کسی می‌داند، چند ثانیه، چند دقیقه، چیزی شبیه به این انجام می‌دهد.

اما ما آنجا نبودیم که شاهد این اتفاق باشیم. تکثیر نان و ماهی، از این قبیل چیزها. قطعاً افزایشی در مقدار مواد اولیه وجود دارد، هرچند اگر بخواهید، ماهیت آن تغییر نمی‌کند.

بازآفرینی ظاهری، شفای مرد نابینا با استفاده از گل، من پیشنهاد دادم که شاید بینایی او بازآفرینی شود. ما دقیقاً نمی‌دانیم چه مشکلی در شکل نابینایی او وجود داشت. پیدایش ۲:۷ را مقایسه کنید، خداوند خدا انسان را از خاک زمین سرشت و در بینی او نفس حیات دمید و انسان به موجودی زنده تبدیل شد.

است، که آن اسم هم‌ریشه yatsar به معنای شکل گرفته، آمده است، همان، NIV، و کلمه‌ای که در آنجا به آن نزدیک‌تر است. رستاخیزها، به نوعی بازآفرینی‌های molded است، بنابراین می‌توان گفت که potter ظاهری نیز هستند. ارتباط با رستگاری یا معادشناسی از ویژگی‌های بارز معجزات عیسی است.

شفای نابینایان، لنگان و ناشنوایان، همانطور که در متون مختلف آخرالزمانی ترسیم شده است. یکی را اینجا انتخاب کنید، اشعیا ۳۵:۴. به کسانی که دل‌های ترسویی دارند بگویید: قوی باشید، نترسید، خدای شما خواهد آمد.

او با انتقام خواهد آمد، با مجازات الهی، او خواهد آمد تا شما را نجات دهد. آنگاه چشمان نابینایان باز و گوش‌های ناشنوایان گشوده خواهد شد. آنگاه لنگان مانند آهو جست و خیز خواهند کرد و زبان‌های گنگ فریاد شادی سر خواهند داد.

آب در بیابان و نهرها در صحرا جاری خواهد شد. رستاخیز یکی از ویژگی‌های اصلی آخرالزمان است. دانیال در آن زمان میکائیل، شاهزاده بزرگی که از قوم تو محافظت می‌کند، ظهور خواهد کرد، ۱۲:۱

چنان دوران سختی فرا خواهد رسید که از آغاز تاریخ ملت‌ها تا آن زمان سابقه نداشته است. اما در آن زمان، قوم تو، هر که نامش در کتاب نوشته شده باشد، رهایی خواهد یافت. انبوهی از کسانی که در خاک زمین خفته‌اند، بیدار خواهند شد، برخی برای حیات جاودانی، برخی دیگر برای شرمساری و حقارت جاودانی.

خرمندان مانند روشنایی آسمان‌ها خواهند درخشید، و کسانی که بسیاری را به سوی عدالت هدایت می‌کنند مانند ستارگان تا ابدالآباد. رستاخیز یکی از ویژگی‌های اصلی آخرالزمان است. ارتباط با خلقت و رستگاری.

مشاهده شده است که معجزات عیسی واقعی و چشمگیر هستند، اما موقتی هستند. او فقط برخی از مردم را شفا می‌دهد، نه همه را. چند منبع در اینجا وجود دارد.

به صراحت، او به دلیل بی‌ایمانی بسیاری از مردم ناصره نتوانست آنها را شفا دهد. و سپس، تلویحاً، شفا در حوض بتسدا، جایی که به ما گفته شده مکانی شلوغ و پر از جمعیت است. و با این حال، فقط این یک نفر شفا می‌یابد.

او فقط بعضی از مردگان را زنده می‌کند، نه همه را. من از چندین کشیش در موعظه شنیده‌ام که می‌گویند. لازاروس وقتی این را گفت، کمتر از آن بیرون آمد. اگر او این را خیلی کلی می‌گفت، همه بیرون می‌آمدند.

حدس می‌زنم، اما حداقل این ایده که او فقط برخی از مردگان را زنده می‌کرد، نه همه را، از نظر کتاب مقدس توجیهی دارد. این خوب است. این نشانه‌ای از محدودیت‌های عیسی نیست، بلکه نشانه‌ای از برنامه خداست.

این در حال حاضر است، اما هنوز نه. معجزات عیسی پیش‌درآمدی از آنچه قرار است بیاید هستند. و وقتی او برگردد، ببخشید، پیش‌درآمدی از آنچه قرار است با بازگشت او بیاید.

همانطور که شام خداوند تنها پیش‌درآمدی از ضیافت مسیحایی است، عیسی ادعا می‌کند که قادر به آرمزش گناهان است و این ادعا را با معجزه‌ای قابل مشاهده اثبات می‌کند. او خود را مالک باد و هوا، بیماری و مرگ، ماهی و حیوانات و حتی موجودات روحی ماوراءالطبیعه نشان می‌دهد.

اگرچه این بخش از این گفتگوها نیست، اما او خود را آگاه از آنچه قرار است در آینده اتفاق بیفتد نشان می‌دهد. خب، این سفر ما به معجزات و کرامات عیسی بود. مطمئناً چیزهای بیشتری می‌توانست در مورد معجزات گفته شود.

من کاری به کل جنجال‌های کاریزماتیک قرن بیستم نداشتم، بلکه به چیزی که می‌توانیم آن را قرون وسطی تا دوره‌ای از قرون وسطی بنامیم، چسبیدم. مطمئناً چیزهای بیشتری می‌توان در مورد معجزات عیسی گفت. ما فقط به گزیده‌ای از آنها نگاه کردیم و در واقع بخشی از آن مجموعه با انجام کارهایی انجام شد که من قبلاً در مورد آنها پاورپوینت نوشته بودم.

اما امیدوارم این به شما درکی از اهمیت معجزه در مسیحیت و ضعف استدلال‌های مخالف معجزه که معمولاً در محافل سکولار می‌بینیم، بدهد. بسیار سپاسگزارم و باشد که خداوند شما را در تلاش برای شناخت او برکت دهد. خب، این هم از این

ممنون. از وقتی که گذاشتید متشکرم.